

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم
(شهر دولتی - شهر انتظامی)

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام
دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: مدرسی معارف
گرایش انقلاب اسلامی

عنوان:

نقش انقلاب اسلامی در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران

استاد راهنما:

دکتر شمس الله مریجی

استاد مشاور:

دکتر کریم خان محمدی

نگارش:

مهدی آقا بابائی

شهریور 1388

تاریخ: ۱۳۸۸/۶/۲۲
 شماره: ۲۲/۲۲۶۶
 پست:

بسمه
 تعالی



صورت جلسه دفاعیه پایان نامه

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای مهدی آقابابایی کوشچه دانشجوی رشته مدرسی معارف اسلامی به شماره دانشجویی ۸۵۱۵۵۱۱۰ با عنوان: « نقش انقلاب اسلامی در تغییر ساختارهای فرهنگی - اجتماعی » با حضور هیأت داوران دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۲۲ برگزار شد، نظر هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد.

قبول با درجه: « بسیار خوب » نمره: « ۱۷,۵ »
 ○ غیر قابل قبول

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران
	استادیار	شمس الله هریجی	استاد راهنما
	مربی	کریم خان محمدی	استاد مشاور
	استادیار	سید محمد حسین هاشمیان	نماینده تحصیلات تکمیلی

احمد احسانی
 مدیر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی
 امضاء

مظفری سلیمانی
 کارشناس امور پایان نامه
 امضاء

ماده ۲۰: پایان نامه توسط هیأت داوران در پنج درجه ارزشیابی شده و به هر درجه نمره ای تعلق می گیرد.
 ۱- نمره ۲۰الی ۱۸ عالی
 ۲- نمره ۱۶الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب
 ۳- نمره ۱۴الی ۱۵/۹۹ خوب
 ۴- نمره ۱۲الی ۱۳/۹۹ قابل قبول
 ۵- نمره کمتر از ۱۲ کمتر غیر قابل قبول
 درجانه میانگین ارزشیابی هیأت داوران توسط نماینده شورای تحصیلات تکمیلی انجام می گیرد.

تقدیم به

مجاهدان راه حق و آزادی

روح بلند امام خمینی (ره) احیاگر هویت اسلامی و ایرانی ملت ایران و همه کسانی که در به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی ایثار و فداکاری کردند.

تشکر

از زحمات مسئولین دانشگاه باقر العلوم (ع) به ویژه ریاست محترم جناب آقای دکتر مریجی که مسئولیت استاد راهنمای این پایان نامه را داشتند کمال تشکر را دارم.

چکیده:

« نقش انقلاب اسلامی در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران » عنوان تحقیق حاضر است. بر اساس چارچوب نظری تحقیق، زمانی که عناصر نامناسب وارد یک نظام اجتماعی شوند تعادل آن نظام برهم می‌خورد و با تعارضی که میان ساختار سیاسی و اجتماعی به وجود می‌آید رفتارهای جمعی اعتراضی آغاز می‌شود، در این زمان باورها و ارزش‌های مورد پذیرش جامعه، رفتارهای جمعی را به هم پیوند می‌زند که نتیجه آن شکل‌گیری رفتارهای جمعی معطوف به ارزش تحت یک رهبری واحد و حرکت جامعه به سمت دگرگونی بنیادین بر اساس الگوی انقلابی است، انقلابی که هدفش نفی وضعیت موجود و ایجاد وضعیتی جدید و به دنبال آن، تغییراتی متناسب با مولفه‌های معنا بخش می‌باشد. شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم بر اساس همین فرایند بود زیرا با نگاهی به نظام اجتماعی ایران از دوره باستان تا دوره معاصر مشاهده می‌شود دو مولفه و عنصر اساسی که عبارت از هویت دینی و هویت ایرانی باشند شکل‌دهنده ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هستند به گونه‌ای که در تمام دوره‌ها، مردم و حاکمیت سیاسی خود را متعهد به عمل و رفتار در چارچوب این دوهویت دانسته‌اند و به همین خاطر تا پایان دوره قاجار جامعه ایران از یک تعادل نسبی برخوردار است اما با روی کار آمدن حکومت پهلوی و طرح شعار نوسازی ایران و معرفی فرهنگ و تمدن غرب به عنوان راه برون رفت از عقب ماندگی و قرار گرفتن در مسیر پیشرفت، سیاست‌ها و برنامه‌هایی در ایران اجرا می‌شود که نتیجه آن ورود عناصر نامناسب با هویت اسلامی و ایرانی به نظام اجتماعی و برهم خوردن تعادل جامعه ایران است. این حرکت مورد اعتراض مردم که پایبند به هویت اسلامی و ایرانی خود هستند، واقع می‌شود و در نتیجه آن انقلاب اسلامی به پیروزی می‌رسد، انقلابی که بر اساس ماهیت خود هدف اصلیش را احیای هویت دینی و ملی مردم ایران معرفی میکند و در عمل با ایستادن در مقابل تهاجم همه جانبه غرب و متوقف کردن آن، به بازسازی ساختارهای ایران در تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر اساس ظرفیت‌های هویت اسلامی و ایرانی می‌پردازد و نقطه آرمانی خود را رسیدن به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌داند.

کلید واژه‌ها: انقلاب، انقلاب اسلامی، تغییر، تغییر اجتماعی، تغییر فرهنگی، ساختار، ساختار فرهنگی، ساختار اجتماعی، هویت، هویت دینی، هویت ایرانی، هویت ملی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه
4	طرح تفصیلی
5	1- بیان مساله
6	2- اهمیت و فایده موضوع
6	3- سابقه پژوهش
7	4- سوال اصلی پژوهش
7	5- سوالات فرعی پژوهش
8	6- شرح فرضیه پژوهش
8	7- مفاهیم و متغیرها
8	8- پیش فرض های پژوهش
9	9- اهداف پژوهش
9	10- روش پژوهش
	11- س زمان ده ی پژوهش

	10
	فصل اول :
	مف اهیم و کلی ات

	12

4-1- علانق لاب

17

5-1- انق لاب اسلامى

18

2- تغيير

19

1-2- تعريف تغيير اجتماعى

20

2-2- ويژگى هاى تغيير اجتماعى

21

3-2- رابطه كنش اجتماعى و تغيير اجتماعى

22

4-2- عوامل و شرايط تغيير

22

1-4-2- عوام ل تغییر

23

2-4-2- ش رابط تغییر

23

2-5- ک ارگزاران تغییر

23

2-6- پرس ش ه ای پیرامون تغییر

23

2-7- تغییرات اجتماعی

24

1-7-2- تعریف تغییرات اجتماعی

24

2-7-2- رابطه تغییرات اجتماعی و تغییر فرهنگ

25

3-7-2- انواع تغییرات اجتماعی

25

3-3- ساختار اجتماعی

26

1-3-1- تعریف ساختار اجتماعی

27

4-4- فرهنگ

28

1-4-1- فرهنگ در لغت

29

2-4-2- فرهنگ در اصطلاح

29

3-4-3- تقسیم فرهنگ به معنای و معنوی

29

4-4- محیط فرهنگ
.....
30

4-5- محیط جغرافیایی و فرهنگی
.....
31

4-6- استمرار و تغییرپذیری فرهنگی
.....
31

4-7- طبقه بندهای فرهنگی
.....
32

4-8- پاره فرهنگی و فرهنگی کل
.....
32

4-9- فرهنگ ملی
.....
33

4-10- تحولات فرهنگی
.....
34

5- هوی ت

.....

34

5-1- هوی ت در لغت

.....

34

5-2- هوی ت در اصطلاح

.....

35

5-3- س طوح مختل ف هوی ت

.....

35

5-3-1- هوی ت ف ردی

.....

36

5-3-2- هوی ت جمع ی

.....

36

5-3-3- هوی ت مل ی

.....

37

فصل دوم :

چراچوب نظری

39

1- تئوریهای تغییرات اجتماعی

41

1-1- تئوریهای تکامل

42

1-2- تئوریهای تضاد

44

1-3- تئوریهای ساختارگرایی

45

2- عوامل تغییرات اجتماعی

48

1-2- دیدگاه ایدئالیستی

49

5-1-1- انقلاب و دگرگونی اجتماعی

56

5-1-1-1- انقلاب و دگرگونی اجتماعی

56

5-1-2- فرق بین فرایند انقلاب و جامعه انقلابی

57

5-1-3- جریان انقلاب

57

5-1-4- ایدئولوژی انقلابی

58

5-1-5- اصول همگانی یا تمامیت

58

5-1-6- بازسازی کامل جامعه

58

7-1-5- گذشـته گرایـی و انقـلاب

.....

58

8-1-5- عوامـل شـتاب دهنـده انقـلاب

.....

59

9-1-5- رهـبـر کاریزمـیایی

.....

59

10-1-5- عمـل انقـلاب

.....

60

11-1-5- سـمـبولها

.....

60

12-1-5- ضـد انقـلاب

.....

61

6- نظریـه رفتـار جمـعی

.....

62

1-6- انقباض و نظریه رفتاری جمعیتی

.....

62

2-6- تعریف رفتار جمعیتی

.....

62

3-6- انواع رفتار جمعیتی

.....

64

4-6- جنبش انقلابی، جنبش معطوف به ارزش

.....

65

7- روش تحلیل و پژوهش درباره انقلاب

.....

66

1-7- روش تفکر پیری

.....

66

2-7- روش گفتگویی

.....

66

8- جمع بندی و تبیین چارچوب نظری

68

فصل سوم :

ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران قبل از انقلاب اسلامی

71

1- بخش اول : مولفه های سازنده تمدن و نظام اجتماعی ایران

74

1-1- هویت دینی

74

1-1-1- هویت دینی در عصر ایران باستان

75

1-1-2- هویت دینی پس از ورود اسلام به ایران

78

1-1-3- هویت دینی در عصر اسلام شیعی در ایران

82

1-2- هوییت ایرانسی

86

1-2-1- عناصر اصلی هوییت ایرانسی

87

1-2-2- ویژگی های هوییت و فرهنگ ایرانسی

89

1-3- هوییت ملی در ایران

90

1-3-1- پیشینه طرح هوییت ملی

91

1-3-2- رابطه ملت، دولت و هوییت ملی

91

1-3-3- چگونگی شکل گیری دولت ملی

92

4-3-1- هویت ملی و ناسیونالیسم

93

5-3-1- دولت و هویت ملی در ایران

93

2- بخش دوم : سیر تاریخی تغییرات فرهنگی و اجتماعی ایران

94

1-2- وضعیت جامعه ایران در دوران قاجار

97

1-1-2- ساختار فرهنگی ایران در دوران قاجار.....98

2-1-2- ساختار اجتماعی ایران در دوران قاجار

99

2-2- آغاز اصلاحات جدید در ایران

102

1-2-2- پیامدهای مشروطیت در ایران

103

2-2-2- ورود فرهنگ غرب به ایران و مراحل آن 106

2-3- وضعیت جامعه ایران در زمان رضاشاه

110

2-3-1- ساختار کلی حکومت رضاشاه 112

2-3-2- دگرگونی های فرهنگی ایران در دوره رضاشاه 115

2-3-3- تحولات اجتماعی ایران در زمان رضاشاه 118

2-4- وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران در دوره پهلوی دوم 122

2-4-1- اقدامات ضد مذهبی محمدرضا پهلوی 122

2-4-2- حکومت پهلوی و دوگانگی فرهنگی

124

2-4-3- اوضاع اجتماعی ایران در دوران محمدرضاشاه

125

2-4-4- فرایند دگرگونی جامعه ایران در دوره پهلوی

126

2-4-5- بحران هویت در دوره پهلوی

129

فصل چهارم

- 1- ماهیت انقلاب اسلامی..... 133
- 1-1- انقلاب اسلامی و ریشه های آن 133
- 1-2- مدل های تحلیل انقلاب 136
- 1-3- نقش عوامل فرهنگی در پیدایش انقلاب اسلامی 137
- 1-4- عناصر درون گفتمانی انقلاب اسلامی 139
- 1-4-1- بازگشت به خویشتن 139
- 1-4-2- نفی غرب گرایی و تلاش برای دست یابی به استقلال 140
- 1-4-3- آرمان شهادت طلبی و ایثار 141
- 1-4-4- مفهوم غیبت و انتظار..... 142
- 1-4-5- عدالت طلبی و برابر جویی..... 143
- 1-4-6- آزادی..... 144
- 2- انقلاب اسلامی و تغییرات ساختاری..... 144
- 2-1- تغییرساختارهای فرهنگی 145
- 2-1-1- اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی 145
- 2-1-2- تغییرات فرهنگی انقلاب اسلامی 146
- 1- پاک سازی جامعه از آلودگی های فرهنگی..... 146
- 2- مبارزه با افکار و ارزش های مادی 147
- 3- بازگرداندن شخصیت زن..... 147
- 4- اهمیت دادن به کانون خانواده 148

- 5- بالابردن سطح آگاهی مردم 148
- 6- تغییر مدیریت فرهنگی 149
- 7- توجه دادن جامعه به معنویت و اخلاق 149
- 8- اهتمام به انتخاب آگاهانه 149
- 9- تحقق آرمان های والای اسلامی 150
- 3-1-2- فرایند تغییرات فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی 150
- 4-1-2- ارزشیابی تغییرات فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی 154
- 2-2- تغییر ساختارهای اجتماعی 154
- 1-2-2- تغییرات درونی در نظام اجتماعی بعد از انقلاب 155
- 1- تحول درونی افراد 155
- 2- انسجام اجتماعی 156
- 3- تغییر ارزشها و پیدایش نظام ارزشی جدید 156
- 2-2-2- فرایند تغییرساختارهای اجتماعی بعد از انقلاب 158
- جمع بندی و نتیجه گیری 161
- منابع 165

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با توجه به ریشه ها و علل پیدایش ، ویژگی های منحصر به فرد و تاثیرگذاری در ابعاد گوناگون فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی در ایران و جهان ؛ رخدادی است که نظر اندیشمندان و صاحب نظران مسایل سیاسی و اجتماعی را به خود جلب کرده است به گونه ای که هر یک براساس چارچوب نظری که دارند به توصیف ، تحلیل و تفسیر این حرکت بزرگ پرداخته اند . که البته بیشتر آثار ارائه شده ، ابعاد تاریخی ، علل ، ریشه و آثار و پیامدهای آن را مورد توجه قرار داده اند . اما در خصوص نقش انقلاب اسلامی به عنوان یک الگوی تغییر اجتماعی در تغییرات ساختاری به ویژه در حوزه فرهنگی و اجتماعی و بیان جهت گیری تحولات مدنظر آن ، آثار کمی دیده می شود و می توان مدعی شد که اصلا به صورت مستقل به این بحث پرداخته نشده است . از این رو در این تحقیق تلاش می شود ضمن توجه به بحث علت ها و بیان چرایی وقوع انقلاب اسلامی ، نقش این انقلاب در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران تبیین شود . موضوعی که تنها در مورد انقلاب اسلامی ایران قابل طرح و بررسی است زیرا در میان انقلاب های بزرگ جهان تنها انقلاب اسلامی ایران است که ماهیتی فرهنگی و اجتماعی دارد و لذاست که هیچکدام از تئوریه ها و نظریه های تحلیل انقلاب نمی توانند تمام ابعاد این حرکت بزرگ را تحلیل کنند و صرفا این تئوریه ها بعد سیاسی انقلاب اسلامی را تحلیل می کنند و در دو حوزه مهم فرهنگی و اجتماعی حرفی برای گفتن ندارند . از این رو با توجه به مدنظر بودن تغییر و تحول در تمام ساختارها به ویژه ساختارهای فرهنگی و اجتماعی توسط انقلاب اسلامی و برای روشن شدن نقش انقلاب در این تغییرات ساختاری ، لازم است یک شناخت جامع و کامل از ماهیت و حقیقت انقلاب اسلامی و عناصر گفتمانی و مولفه های سازنده آن داشته باشیم که به همین منظور ابتدا باید تحلیلی دقیق از چرایی وقوع انقلاب اسلامی ارائه کنیم و سپس بستری که این

انقلاب در آن شکل گرفته است یعنی جامعه ایران را بشناسیم شناختی که نمی توان آن را فقط به سالهای قبل از انقلاب اسلامی محدود کرد زیرا انقلاب اسلامی صرفاً یک پاسخ به دگرگونی های صورت گرفته در دوره معاصر قبل از شکل گیری و پیروزی اش در نظام اجتماعی ایران نبود بلکه وقوع و پیروزی این انقلاب و دگرگونی های مدنظر آن ریشه در گذشته تاریخی ملت ایران و ظرفیت های نهفته آنها داشت که در هیچ دوره تاریخی به طور کامل از آن در راه پیشرفت همه جانبه ایران استفاده نشده بود بنابراین باید جامعه ایران را در دوره های مختلف تاریخی ارزیابی و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی آن را مطالعه کرد تا در نهایت بتوان براساس این شناخت های به سؤال اصلی این تحقیق پاسخ داد . همچنین باید به این نکته هم توجه کرد که حرکت انقلاب اسلامی برای تغییر و تحول در نظام اجتماعی ایران یک حرکت پایان یافته نیست بلکه متناسب با شرایط زمانی و مکانی این سیر ادامه دارد و همچنان استمرار می یابد و نکته آخر اینکه با توجه به محدودیت هایی که در دسترسی به منابع برای نگارنده وجود داشته ، قطعاً این تحقیق دارای کاستی هایی می باشد که بامطالعات و انجام تحقیقات بیشتر امکان ارتقاء آن ، هم از لحاظ کمی و هم از بعد کیفی می باشد .

طرح تفصیلی پژوهش

1- بیان مساله

وقوع انقلاب در یک جامعه ساختارهای آن را دچار تحول و تغییر می کند. اولین گام تغییر ساختار سیاسی است. زیرا منشاء اصلی علل و انگیزه های مختلفی که باعث وقوع انقلاب ها می شود، ساختار سیاسی است، که در یک نظام اجتماعی وجود دارد که به علل مختلف به خواست و اراده مردم بی توجه ای کرده است و این بی توجه ای در تمام ابعاد آن جامعه نمود دارد که عینی ترین و ملموس ترین آن برای توده های مردم ساختارهای فرهنگی و اجتماعی است، که با تغییر ساختار سیاسی دچار دگرگونی و تحول می شوند. به عبارت ساده تر، انقلاب یعنی تغییر ساختارهای جامعه در همه ابعاد بر اساس آنچه خواست مردم است که البته روشن است، تغییر ساختارها پایان کار نیست بلکه تنها شروع یک حرکت عظیم مردمی است به سوی بهتر شدن و در گام های بعدی باید مراحل دیگری طی شود تا بتوان به وضعیت مطلوب نزدیک شد.

انقلاب اسلامی ایران هم از این قاعده مستثناء نیست و مهم ترین علت قیام مردم ایران اعتراض به ساختارهایی بود که سلسله پهلوی آن را پایه گذاری کرده بود. که بدون توجه به فرهنگ اسلامی و ایرانی این مرز و بوم و گذشته عظیم تاریخی ملت ایران، اصول و مبانی را در جامعه ایران حاکم کرد که کاملاً با باورهای مردم در تضاد آشکار بود و این تضاد هم صرفاً در بعد نظری نبود بلکه بیشترین جلوه آن در عرصه عمل بود. به هر حال با وقوع انقلاب اسلامی ساختارهای قبلی جامعه ایران فرو ریخت و ساختارهای جدید مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ملی ملت ایران شکل گرفت و همین امر فصل جدیدی را در تاریخ ملت ایران برای پیمودن راه پیشرفت و تکامل به وجود آورد.

2- اهمیت و فایده موضوع

اهمیت موضوع از این جهت است که قطعا هیچ رخداد و حادثه ای غیر از انقلاب اسلامی توان چنین تغییر و تحولی را در تمام ابعاد به خصوص ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران نداشته است. و امروز که سه دهه از این حرکت عظیم را پشت سر گذاشته ایم نقش مهم و بی بدیل آن را در حرکت رو به جلو ایران اسلامی می بینیم، که پیامد آن دستاوردهای همه جانبه ای بوده که استمرار آن ملت ایران را در جایگاه حقیقی و واقعی خود قرار می دهد. و محور اصلی این تحولات خود پدیده انقلاب اسلامی و جریان داشتن آن در جامعه ایران تا به امروز بوده است که در یک مرحله، ساختارهای غلط ایران را اصلاح و بازسازی کرد و در مرحله بعد ساختارهای جدیدی را پایه گذاری کرد.

3- سابقه پژوهش

تاکنون در مورد انقلاب اسلامی آثار تبیینی زیادی از سوی اندیشمندان نگاشته شده است و دیدگاهها و تحلیل های مختلفی در بررسی انقلاب اسلامی ایران از لحاظ تاریخی، علل و ریشه ها، آثار و پیامدها و ... بیان شده است. که بیشتر این آثار هم، بحث تاریخی و علل شکل گیری انقلاب اسلامی را مورد توجه قرار داده اند. اما در مورد پیامدها و تغییرات ساختاری خصوصا ساختارهای فرهنگی و اجتماعی که انقلاب اسلامی باعث تحول و دگرگونی آنها شد آثار کمی دیده می شود و به صورت مستقل هم کمتر به این موضوع پرداخته شده است. از این رو در این تحقیق تلاش می شود ضمن توجه به بحث علت ها و بیان چرایی اصلی وقوع انقلاب اسلامی، نقش این انقلاب در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران بررسی شود که البته با توجه به گستردگی بحث و اختصار این تحقیق جهت گیری های کلی این تغییرات و بعد کیفی آن را مورد

توجه قرار می دهیم زیرا روشن است که توجه به تغییرات کمی نیازمند تحقیق و مطالعه جامع تر و در اختیار بودن اسناد و مدارک لازم می باشد .

4- سوال اصلی پژوهش

نقش انقلاب اسلامی در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران چیست.

5- سوالات فرعی پژوهش

برای روشن شدن نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران باید به سوالهای زیر پاسخ دهیم :

- 1) انقلاب به عنوان یک جنبش عظیم چگونه تغییر و تحول ایجاد می کند ؟
- 2) جهت تغییر و تحولات صورت گرفته توسط یک انقلاب ارزشی برگرفته از مذهب به چه سمت سویی است ؟
- 3) ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران از دیرباز تاکنون براساس چه مولفه هایی شکل گرفته است ؟
- 4) ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران تا قبل از انقلاب اسلامی چه دوره هایی را طی کرده و در هر دوره چه ویژگی هایی داشته است ؟
- 5) شاخصه و نقطه تمایز انقلاب اسلامی ایران نسبت به سایر انقلاب های رخ داده در جهان چه چیزهایی می باشد ؟
- 6) آیا انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فرهنگی بود ؟
- 7) انقلاب اسلامی چه تغییراتی را از لحاظ کمی و کیفی در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران به وجود آورده است ؟

8) آیا نقش انقلاب اسلامی در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران پایان یافته است یا

اینکه این حرکت تا رسیدن به یک نقطه مطلوب و آرمانی ادامه خواهد داشت؟

9) شناخت و توجه به نقش انقلاب اسلامی در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی چه کمکی

به آینده انقلاب و بقای آن خواهد کرد؟

6- شرح فرضیه پژوهش

به نظر می رسد عدم رعایت تعادل در نظام اجتماعی ایران در دوره پهلوی و تعارضی که میان ساختار سیاسی و فرهنگی در این مقطع حاصل شد باعث شکل گیری انقلاب اسلامی و پیروزی آن گردید که این انقلاب ضمن دگرگونی بنیادین در ساختار سیاسی و تاسیس نظام جمهوری اسلامی، بر اساس ماهیت فرهنگی خود و با توجه به عناصر گفتمانی اش، تغییر ساختاری های فرهنگی و اجتماعی ایران را بر اساس دو استعداد درونی جامعه ایران یعنی هویت دینی و هویت ایرانی مد نظر خود قرار داد.

7- مفاهیم و متغیرها

انقلاب - انقلاب اسلامی - تغییر - ساختار فرهنگی - ساختار اجتماعی - هویت

8- پیش فرض های پژوهش

الف) وقوع انقلاب در یک جامعه در مرحله اول، ساختار سیاسی آن جامعه را تغییر می دهد. و با تغییر ساختار سیاسی در مرحله بعد ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هم دچار دگرگونی و تحول می شوند.

ب) انقلاب اسلامی مردم ایران شکل گرفته براساس دین و مذهب و ارزش های اخلاقی و

انسانی بود و بر این اساس مهم ترین هدف آن تغییر در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی بود.

ج) با پیروزی انقلاب اسلامی، ساختار سیاسی جدید در راستای رسیدن به این هدف یعنی تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی شکل می گیرد.

د) با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب و روی کار آمدن ساختار سیاسی جدید در ایران و تغییرات زیادی که در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته؛ اما هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب و آرمانی فاصله زیادی داریم و حرکت انقلاب در جهت این تغییرات همچنان ادامه دارد.

9-اهداف پژوهش

الف) هدف علمی این تحقیق این است که بتواند نقش انقلاب اسلامی را در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران تبیین و تحلیل کند.

ب) هدف کاربردی این است که مشخص شود انقلاب اسلامی در رسیدن به اهداف مد نظر خود در چه مرحله ای قرار دارد.

ج) از سوی دیگر با شناخت عناصر کلیدی در شکل گیری ساختارهای مختلف جامعه ایران به ویژه فرهنگی و اجتماعی و نقش این عناصر در شکل گیری و استمرار حرکت انقلاب؛ اهمیت تقویت این عناصر روشن خواهد شد.

10-روش پژوهش

بحث تغییرات فرهنگی و اجتماعی یک بحث تحلیلی می باشد که در مباحث نظری علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است و اندیشمندان مختلفی دیدگاههای خود را در این باره در آثار متعدد بیان داشته اند.

در این تحقیق برای روشن شدن نقش انقلاب اسلامی در تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران از یک روش توصیفی و تحلیلی استفاده می کنیم به این صورت که براساس تئوریهایی که در بحث

تغییرات اجتماعی و تحلیل انقلاب ها بیان شده یک چارچوب نظری را تبیین می کنیم و طبق آن وضعیت ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران در قبل از انقلاب را مورد توجه قرار داده و سپس تغییرات کیفی فرهنگی و اجتماعی را با وقوع انقلاب اسلامی در نظام اجتماعی ایران بررسی می کنیم.

11- سازماندهی پژوهش

این تحقیق از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل یافته است که عناوین فصول پنج گانه به شرح ذیل می باشد :

فصل اول: (کلیات و مفاهیم) که در آن به شرح واژگان کلیدی و مفاهیم و متغیرها پرداخته می شود.

فصل دوم: (مباحث نظری) که در این فصل با توجه به نظریه ساختی کارکردی پارسونز در بحث تغییرات اجتماعی و همچنین نظریه رفتار جمعی اسملسر در بحث تحلیل انقلاب ها و در کنار هم قرار دادن این دو یک چارچوب نظری را برای بررسی نقش انقلاب اسلامی و چگونگی این نقش در تغییرات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران تبیین می کنیم .

فصل سوم: (ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران قبل از انقلاب اسلامی) در این فصل ابتدا به عناصر کلیدی که براساس آنها ساختارهای جامعه ایران شکل گرفته می پردازیم سپس به اختصار سیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی ایران را در دوره های مختلف مورد توجه فرار می دهیم که البته با توجه به اینکه بیشتر این دگرگونی از دوره مشروطه و مخصوصا در زمان سلسله پهلوی می باشد عمده مطالب فصل بیانگر تغییرات فرهنگی و اجتماعی ایران در عصر پهلوی می باشد .

فصل چهارم: (انقلاب اسلامی و تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران) این فصل مهم ترین فصل این تحقیق می باشد که با توجه به خاص بودن انقلاب اسلامی و همچنین برجستگی فرهنگی آن، به نقش آن در تغییرات و دگرگونی هایی که در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ایران

ایجاد شده می پردازیم و در این فصل بیان می شود نقطه اصلی این تغییرات احیای هویت دینی و هویت ملی ملت ایران می باشد که این دو به عنوان دو محور سازنده نظام اجتماعی ایران با در کنار هم قرار گرفتن و استفاده از ظرفیت هایی که دارند باعث رشد و تکامل ساختارهای جامعه ایران به ویژه فرهنگی و اجتماعی هم در بعد کیفی و هم کمی خواهند شد .

جمع بندی و نتیجه گیری: در آن ضمن جمع بندی مطالب بیان شده خواهیم گفت هرگاه نظام سیاسی حاکم در ایران به هویت دینی و ملی ملت ایران احترام گذاشته و براساس آن حکومت کرده است جامعه ایران دارای ثبات سیاسی و رشد و بالندگی در ابعاد مختلف بوده است که البته با بررسی دوره های مختلف تاریخی ایران می بینیم این اتفاق به معنای واقعی اش تنها پس از وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی رخ داده است که نتیجه آن بعد از سه دهه محکم تر شدن روزبه روز پیوند حاکمیت و ملت و همچنین حرکت جریان تغییرات فرهنگی و اجتماعی به سمت مطلوب و آرمانی می باشد که البته باید توجه داشت هنوز تا رسیدن به آن نقطه خیلی فاصله داریم ولی مهم این است که مسیر و جهت حرکت به برکت انقلاب اسلامی صحیح و درست می باشد.

فصل اول

مفاهيم و کلیات

1- انقلاب

1-1- انقلاب در لغت

انقلاب از نظر لغوی به معنای حالی به حالی شدن، دگرگون شدن، برگشتن، تقلب و تبدیل و تغییر است.^۱

1-2- انقلاب در اصطلاح

از واژه انقلاب استفاده های گوناگون و متفاوتی شده است و در رشته های مختلف علوم اعم از تجربی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به عنوان دگرگونی و تغییر اساسی یاد می کنند و هر کدام از این علوم براساس هدف و مسائلی که دنبال می کنند تبیینی متناسب با خود از مفهوم انقلاب ارائه می دهند که به بعضی از اینها به اختصار اشاره می کنیم.

1-2-1- انقلاب از دیدگاه فلسفی

در فلسفه در بحث عناصر، از انقلاب به معنای تبدیل صورتی به صورت دیگر تعبیر شده است و با توجه به اینکه از باب انفعال و از ریشه لازم است به معنای نوعی شدن است.^۱

1. محمد دهخدا، لغتنامه دهخدا، صدرا، تهران، 1346، جلد اول، ص 430.

2-2-1- انقلاب از دیدگاه جامعه شناسی

انقلاب به معنای یک تغییر ریشه ای و بنیانی و عمیق در جامعه و ساخت های اجتماعی ذکر شده

است و سه عنصر اساسی برای آن بیان شده است که عبارتند از:

1- عملی ارادی در آن دخیل است .

2- عامل تقدس و تعالی در آن نهفته است بدین صورت که هر دگرگونی را که جنبه سقوط و

نقص داشته باشد انقلاب نمی گویند .

3- عنصر نفی و انکار در آن دخالت دارد - به این ترتیب انقلاب در مفهوم اجتماعی آن

عبارت از وضعی را با اراده خود خراب کردن برای رسیدن به وضعی بهتر است.^۲

3-2-1- انقلاب از نظر سیاسی

از نظر سیاسی انقلاب به معنای تغییر نهاد سیاسی و نظام و سبب های حاکمیت آمده است^۳ و با دقت

در دیدگاههای مختلفی که در این باره بیان شده است در علوم سیاسی انقلاب به دو صورت به

کاربرده می شود:

1- برای هر نوع تغییر و تحول سیاسی، اجتماعی حاکم بر جامعه بدون توجه به نوع و جهت

تغییر و یا تغییر در ارزشهای مسلط جامعه، انقلاب به کار برده می شود که این کاربرد عام است .

2- کاربرد دوم که کاربردی جامع تر و کاملتر است انقلاب را برای تغییرات بنیانی در همه

ارزشها و نهادهای مسلط بکار می برد و در علوم سیاسی از این معنا به عنوان انقلاب کبیر یاد می کنند

که البته روشن است که در طول تاریخ تعداد چنین انقلاب هایی نادر است. و باید گفت که کاربرد

دوم برای مفهوم انقلاب کاربردی صحیح می باشد و بر این اساس بسیاری از تحولات و تغییرات

1. علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، نشر چاپار، تهران، 1383، ص 589.

1. همان، ص 640.

2. همان، ص 524.

سیاسی - اجتماعی که اغلب به عنوان انقلاب خوانده می شوند مستثناء شده و در مقوله جداگانه ای می گنجند.

نکته دیگر اینکه براساس این کاربرد نمی توان به تحولاتی مثل کودتا، رفرم، نهضت های استقلال طلبانه و جدایی خواهانه؛ انقلاب بگوییم زیرا کودتا تنها رهبری و سیاست های حاکم بر جامعه را تغییر می دهد و بیشتر تکیه کودتاگران به توان نظامی آنهاست و حق بودن، صالح بودن و مقبول بودن در کودتا مطرح نمی باشد. همچنین شورش نتیجه نارضایتی قشر یا اقشاری از جامعه است که برضد حاکم رخ می دهد و نهایتاً موجب تغییراتی در سیاست ها و احتمالاً نهادهای سیاسی می شود ولی ساخت و ارزش های مسلط سیاسی - اجتماعی را تغییر نمی دهد و نکته مهم در شورش این است که شورش تنها به دنبال تغییر است بدون آن که امر جایگزینی را مورد توجه داشته باشد و نیز رفرم، تلاشی برای ایجاد تغییر محتاطانه و تدریجی در ساختار سیاسی جامعه با دوری از خشونت و با حفظ نهادهای قانونی است.^۱

همین طور نهضت های استقلال طلبانه تلاش جامعه ایست بر علیه حاکمیت بیگانگان و نهضت های جدایی خواهانه تلاش بخشی از جامعه بر ضد حاکمیت مرکزی است که هدف آن کسب نوعی استقلال و حاکمیت محلی است و لزوماً در هیچ کدام از این دو نوع تحول سیاسی - اجتماعی موجبات تغییر در ارزشها و ساختارهای اجتماعی را فراهم نمی کند.^۲

بر اساس آنچه بیان شد می توان انقلاب را در یک تعداد محدود از تحولات سیاسی - اجتماعی در تاریخ بشریت مشاهده کرد و اغلب از آنها با نام انقلاب های بزرگ دنیا یاد می کنند مثل انقلاب فرانسه، چین، کوبا، ایران.

1. منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، چاپ یازدهم، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، 1384، ص 32.

2. همان، ص 33.

در تعریف انقلاب باید به دو نکته دیگر هم توجه کرد: اول اینکه مهمترین عامل و وجه مشترک انقلابها، مردمی بودن آنهاست و حرکت توده های مردم در یک جامعه نقش اساسی و محوری در شکل گیری یک انقلاب بزرگ دارد و نکته دوم اینکه مفهوم انقلاب همواره با بار اخلاقی و توصیفی به کار برده می شود. و انقلاب تغییری ارزشمند و مترقی در یک جامعه است. حال با توجه به تمام آنچه گفته شد می توان در یک تعریف جامع انقلاب را اینگونه تعریف کرد: «انقلاب یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی در ارزشها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روشها و فعالیتهای حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی است¹» با توجه به این تعریف یک انقلاب سیاسی کامل شامل عوامل و ویژگی های زیر است: 1- مردمی است 2- با خشونت همراه است 3- ارزشهای مسلط را تغییر می دهد 4- سریع و ناگهانی است 5- سیستم سیاسی حاکم را دگرگون می کند.

مطلب دیگر اینکه برای تحلیل یک انقلاب سه مرحله را باید طی کرد:

مرحله اول: شرایط و اوضاع و احوال جامعه ای که به صورت بالقوه برای شکل گیری و تحقیق

انقلاب مساعد است را بررسی کنیم.

مرحله دوم: عواملی را که منجر به بروز و پیروزی انقلاب می گردد بررسی کنیم.

مرحله سوم: عواملی که تداوم و یا شکست انقلاب را به دنبال خواهد داشت مورد کنکاش قرار

دهیم.

3-1- انواع انقلاب

انقلاب انواع مختلف و کاربردهای گوناگونی دارد، مثل انقلاب صنعتی، انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی، انقلاب پزشکی و ... که در نوشتار حاضر مراد، انقلاب اجتماعی و سیاسی است که به طور مشخص با مصداق انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 تطبیق دارد.

البته انقلاب اجتماعی و سیاسی تفاوت هایی با یکدیگر دارند که مهم ترین آن این است که: انقلاب سیاسی با تغییر حکومت بدون تغییر ساختارهای اجتماعی همراه است و تنها موجب ورود گروه های جدید به درون طبقه حاکم می شود. اما انقلاب اجتماعی عبارتست از انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماعی و تحول در ایدئولوژی غالب کشور؛ که انقلاب اسلامی ایران نیز جزء آن محسوب می شود زیرا از یک سو باعث تغییر در اساس و نوع حکومت و از سوی دیگر موجب تحول در ایدئولوژی غالب و رسمی کشور و خط مشی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ابعاد داخلی و خارجی شده است.^۱

همچنین فرایند انقلاب به این صورت است که وضعیت حاضر را به طور کامل نفی و طرد می کند و در مقابل سعی در تجدید بنای محیط اجتماعی و انسانی کاملاً متفاوتی را دارد و این دگرگونی ها حاصل نمی شود مگر به دنبال تغییرات عمیق در وضع روانی و شعور قسمتی و یا کل جامعه که به دنبال آن باز هم تغییرات دیگری در روحیه و هم در سازمان اجتماعی ایجاد خواهد کرد.^۲

4-1- علل انقلاب

دریک جمع بندی و نتیجه گیری منطقی می توان علل وقوع انقلاب را در پنج علت خلاصه کرد:

1. علی اکبری معلم، علل و عوامل فروپاشی رژیم پهلوی، چاپ اول، بوستان کتاب، قم، 1382، ص 51-52

2. گی روشه، تغییرات اجتماعی، منصور وثوقی، چاپ هشتم، نشرنی، تهران، 1383، ص 290

1- نارضایتی عمیق از شرایط حاکم؛ البته نارضایتی لازم است عمیق، گسترده و فراگیر، ناظر به ساختار و ناشی از فقدان آزادی باشد.

2- وجود رهبری و ساختارهای اجتماعی - سیاسی دارای نقش و بسیج گر؛ چون به طور معمول انقلاب ها؛ توأم با رهبری و ساختارهایی می باشند، رهبری و ساختارهای دارای نقش نیز در گسترش نارضایتی، ارائه تبلیغ و ایدئولوژی، ایجاد و گسترش روحیه انقلابی، تدوین استراتژی و تاکتیک های مبارزه و بسیج تاثیر به سزایی دارند.

3- گسترش و پذیرش اندیشه و طرح جدید جای گزین؛ زیرا بروز و پذیرش اندیشه جدید و تاثیر آن بر رفتار انقلابی ها و مردم است که باعث می شود با انقلاب، نظامی را سرنگون و نظام جدیدی را برپا ساخت.

4- گسترش روحیه انقلابی؛ یعنی به وجود آوردن وضعیتی که سبب اعتماد به نفس در مردم می شود به گونه ای که با بی توجهی به اقدامات سرکوب گرانه یا اصلاح گرانه رژیم حاکم، تنها به سرنگونی رژیم حاکم و بنا ساختن ساختار جدید می اندیشند.

5- فقدان یا عدم موفقیت در حفظ الگو؛ اگر نظام اجتماعی از طریق جامعه پذیری سیاسی اقدام به حفظ الگوهای فرهنگی نماید و یا به دلایلی، موفقیتی در کار ویژه خود نداشته باشد، تعارض های ارزشی بین نظام سیاسی و مردم بروز می کند که موجب عدم تعادل و بحران مشروعیت و در نتیجه باعث وقوع انقلاب می شود¹.

5-1- انقلاب اسلامی

با قرار گرفتن قید اسلامی در کنار کلمه انقلاب مفهوم جدیدی از انقلاب را می توان تبیین و تحلیل کرد که بیشترین توجه در این امر به جهت حرکت انقلاب می باشد زیرا در انقلاب اسلامی تمام

1. علی اکبری معلم، همان کتاب، ص 53-54

ویژگی های یک انقلاب قابل مشاهده است ولی علاوه بر این ها می توان ویژگی های منحصر به فردی را یافت که برگرفته از دین و آئین اسلام است و با همین نگاه انقلاب اسلامی اینگونه تعریف می شود:

« انقلاب اسلامی تحولات عمیق و بنیادینی خواهد بود که براساس یک رابطه منطقی میان دین ، سیاست ، فرهنگ و اقتصاد یک مملکت پدید می آید و آن را به یک برنامه اجرایی برای اداره جامعه تبدیل خواهد کرد »¹

1-5-1- ویژگی های انقلاب اسلامی

1- تکیه بر ایدئولوژی اسلامی: براین اساس انقلاب اسلامی ساختار ایدئولوژیکی نظام جهانی کفر را نفی کرده و براساس آن حرکت نمی کند .

2- متدلوژی فعالیت های اجتماعی و تاکتیک های آن براساس داده های اسلام است .

3- در فرایند حرکت آن شعارهای اسلامی به کارگیری می شود .

4- محوریت سازماندهی و شبکه ارتباطی آن به منظور حرکت توده های مردم مسجد است.

5- ساختارهای جدیدی که براساس دیدگاههای اسلام شکل می گیرد متفاوت از ساختارهای

نهادی نظام جهانی است .²

2- تغییر

قبل از ورود به بحث تغییر باید ابتدا فرق میان دو مفهوم تغییر و تحول را بیان کنیم به این صورت که تحول اجتماعی با تغییر اجتماعی تفاوت دارد و جامعه شناسان معمولاً تحول اجتماعی را مجموعه ای از تغییرات می دانند که در طول یک دوره طولانی طی یک و یا چند نسل در یک جامعه رخ می دهد

1. جمعی از نویسندگان، انقلابی متمایز، چاپ اول، موسسه بوستان کتاب، قم، 1385، ص 81.

2. همان، ص 82.

و بر این اساس باید گفت تحول اجتماعی پرسه هایی است که در یک مدت زمان کوتاه نمی توان آن را ملاحظه کرد بر خلاف تغییر اجتماعی که عبارتست از پدیده های قابل رویت و قابل بررسی در مدت زمان کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی می تواند یک تغییر را شخصا تعقیب نماید ، نتیجه قطعی اش را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد.¹

علاوه بر این تغییر اجتماعی در محدوده یک محیط جغرافیایی معینی صورت می پذیرد و می توان آن را در چارچوب یک محدوده جغرافیایی و یا در کادر اجتماعی - فرهنگی خیلی محدودتری مورد مطالعه قرار داد .

در بحث تغییر اجتماعی سه بحث را باید مدنظر قرار دهیم :

1- تعریف تغییر اجتماعی و ویژگی های آن

2- عوامل و شرایط تغییر اجتماعی

3- کارگزاران تغییر اجتماعی

1-2- تعریف تغییر اجتماعی

جامعه شناسان درباره تغییر اجتماعی بیان می کنند که تغییر اجتماعی عبارتست از تغییری قابل رؤیت در طول زمان به صورتی که موقتی و یا کم دوام نباشد ، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید .

1. گی روشه همان کتاب ، ص 20.

2-2- ویژگی های تغییر اجتماعی

1- تغییر اجتماعی یک پدیده جمعی است به این معنا که تغییر اجتماعی باید یک جامعه یا بخش مهمی از یک جامعه را در برگیرد به صورتی که شرایط و شکل زندگی و زمینه های فکری و روحی سطح وسیعی از یک جامعه دگرگون گردد.¹

2- تغییر اجتماعی باید یک تغییر ساختی باشد:

یعنی تغییری که در کل سازمان اجتماعی یا در بعضی از قسمت های تشکیل دهنده سازمان اجتماعی حادث شود، برای روشن شدن این مطلب باید توجه داشت که ما دو نوع تغییر داریم:²

الف) تغییر تعادل: که زمانی است که در سیستم اجتماعی دگرگونی حاصل نمی شود بلکه تنها تعادل موجود جای خود را به تعادل جدیدی می دهد به عبارت دیگر سیستم به صورت یک مجموعه باقی می ماند و تعادل جدید تنها در بعضی از قسمتهای سیستم یا خرده سیستم ها رخ می دهد. و البته روشن است که دگرگونی در تعادل پدیده ای است عادی و دایمی در حیات سیستم اجتماعی. برای تغییر تعادل می توان بالا رفتن حقوق کارگران یک کارخانه را مثال زد که به خاطر اعتصاب آنها رخ می دهد.

ب) تغییر ساختی: زمانی است که تغییر باعث دگرگونی عمیق در کل سیستم گردد و علت تغییر ساختی هم قوی بودن نیروهای موثر در دگرگونی است. مثل تغییر در توزیع قدرت در یک

1. همان، ص 24-25.

2. همان، ص 22.

کارخانه که بر اثر اعتصاب کارگران حاصل می شود که این اعتصاب به عنوان یک عامل تغییر در سازمان اجتماعی کارخانه تغییر ایجاد می کند^۱.

3- تغییر اجتماعی در طول زمان شناخته می شود: به این معنا که تغییر اجتماعی در مقایسه با یک نقطه شروع یا مرجع در گذشته بررسی و ارزشیابی می شود و با توجه به این نقطه شروع می توان تغییر به وجود آمده را از لحاظ کمی و کیفی ارزشیابی و تحلیل کرد.^۲

4- تغییر اجتماعی باید مداوم و استوار باشد: حرکت های سطحی و گذرا و مقطعی نمی تواند تغییر اجتماعی باشد.

3-2- رابطه دو مفهوم کنش تاریخی و فرایند اجتماعی با تغییر اجتماعی

1- کنش تاریخی به معنای تغییر اجتماعی نیست بلکه فعالیت عاملین اجتماعی را توصیف می نماید که باعث تغییرات اجتماعی یا مانع آن می شوند و در قالب یک کنش اجتماعی قرار دارد.

2- فرایند اجتماعی: فرایند اجتماعی، تغییر را توجیه و تفسیر نمی کند بلکه جریان و مسیر تغییر را در طول زمان به ما نشان می دهد. و به معنای جریان مداوم یک سری از حوادث، پدیده ها و کنشهایی است که در مجموع به تغییر اجتماعی می انجامد.^۳

4-2- عوامل و شرایط تغییر

عوامل و شرایط تغییر مکمل یکدیگرند به این معنا که شرایط تغییر عناصری هستند از یک وضعیت خاص که نقش عوامل را مناسب یا نامناسب می سازند به عبارت دیگر شرایط می توانند در عملی شدن اثرات عوامل تغییر، نقش مثبت یا منفی داشته باشند همچنین شرایط تغییر در سرعت یا کندی

1. همان ص 22

2. همان، ص 24.

3. همان، ص 26-27.

عوامل تغییر تأثیر دارند و از سوی دیگر بر جهت گیری تغییر نیز تأثیر گذارند بر این اساس عوامل تغییر و شرایط تغییر را تعریف می کنیم:

1-4-2- عوامل تغییر

عامل تغییر عنصری است از یک وضعیت معین که به علت موجودیتش یا به وسیله عملی که انجام می دهد تغییری را موجب می شود و یا به وجود می آورد. مثل ورود یک تکنیک جدید به کارخانه که تغییراتی در شیوه کار آن به وجود می آورد.^۱

2-4-2- شرایط تغییر

شرایط تغییر عناصری هستند مناسب یا نامناسب که اثر یا اثرات یک یا چند عامل تغییر را فعالتر یا کندتر، شدیدتر یا ضعیف تر می کند. مثل شرایط مناسبتی در یک جامعه دینی و مذهبی که باعث شدت گرفتن حرکت مردم و قیام آنها بر علیه یک نظام سیاسی ظالم می شود.^۲

2-5- کارگزاران تغییر

کارگزاران تغییر عبارتند از اشخاص، گروهها و انجمن هایی که تغییر را وارد می کنند، از آن استقبال می کنند یا با آن به مخالفت بر می خیزند. نوع کنش کارگزاران تغییر، متأثر از هدفها، تمایلات، ارزشها و ایدئولوژی آنهاست که بر آینده جامعه اثر می گذارد.^۳

2-6- پرسش های پیرامون تغییر

نکته دیگر اینکه جامعه شناس در مقابل تغییر شش سؤال عمده را به شرح زیر مطرح می کند:

1- سؤال اول اینکه چه چیزی تغییر می کند؟ به عنوان مثال بدانیم که آیا این تغییر در عناصر ساختی

یا در فرهنگ است و یا در الگوها، ارزشها یا ایدئولوژیهاست؟

1. همان، ص 29.

2. همان، ص 29.

3. همان، ص 30.

- 2- دوم اینکه تغییر چگونه انجام می گیرد؟ چه راهی را طی می کند؟ آیا منظم است یا نامنظم؟ و...
- 3- سوم آهنگ تغییر است که آیا تحولی آرام و تدریجی است یا دگرگونی‌هایی خشن و تغییراتی سریع است؟
- 4- در این مرحله باید به تحلیل عوامل تغییر و نیز شرایط مناسب و نامناسب آن پردازیم.
- 5- در مرحله پنجم باید کراگزاران فعالی که تغییر را انجام می دهند و نیز مشوقین و محرکین و همچنین مخالفین و کسانی که مقاومت می کنند مشخص شوند.
- 6- و در نهایت با تمام بررسی های صورت گرفته باید این سؤال را مطرح کرد که آیا می توان مسیر آینده حوادث و وقایع و راههای مختلفی را که جامعه می تواند در آینده ای دور یا نزدیک برگزیند پیش بینی نمود؟¹

2-7- تغییرات اجتماعی

بحث درباره تغییرات اجتماعی، از اساسی ترین و کاربردی ترین مباحث جامعه شناسی است زیرا جامعه ها همواره در حال تحول و دگرگونی هستند و انواع نهادهای اجتماعی مانند: خانواده، حکومت و سیاست، اقتصاد، آموزش و پرورش، حقوق، ارزشها، هنجارها، آداب و رسوم فرهنگی در حال تغییر و تحول می باشند و حال آنها حاکی از سیر تحولات و تغییرات اجتماعی می باشد.

2-7-1- تعریف تغییرات اجتماعی

تغییرات اجتماعی عبارت است از تبدیلات و دگرگونی هایی که در طول تاریخ در اصول زندگی جامعه و ملتی روی می دهد. این تغییرات از هزاران عامل داخلی و خارجی و نیروهایی که زاینده شرایط داخلی یا خارجی گروه است پدید می آید.²

1. همان، ص 35-36.

2. امان الله قرائی مقدم، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، نشر ابجد، تهران، 1377، ص 305.

تغییر و تبدیل از ویژگی های کلیه فرهنگ های جهان است و درجه تغییر در جوامع مختلف متفاوت است به این معنی که در جوامع ابتدایی تغییرات به آرامی صورت می گیرد اما در جوامع پیشرفته میزان تغییر و تبدیل وابسته به نیروهای تغییر دهنده ای است که در یک زمان به خصوص در کارند. بر این اساس تغییر اجتماعی، تغییری است که در ساخت اجتماعی، که شامل تغییرات در حجم جامعه یا در نهادهای خاص اجتماعی یا روابط بین نهادها، به وجود می آید. و همچنین به دگرگونیها و تغییرات در پدیده های فرهنگی نظیر معرفت و آراء و هنر، آیینهای دینی و اخلاقی و آداب و رسوم و غیره تغییر فرهنگی گفته می شود.¹

2-7-2- رابطه تغییر اجتماعی و تغییر فرهنگی

روشن است که تغییر اجتماعی و فرهنگی در اکثر موارد با یکدیگر رابطه نزدیکی دارند مثلاً رشد علم جدید با تغییر حاصله در ساخت اقتصادی پیوندی نزدیک دارد و از طرف دیگر توسعه اقتصادی موجب تغییر در پدیده های فرهنگی می گردد. و با توجه به اینکه فرهنگ زیربنای، یک نظام اجتماعی است، تحول در آن باعث دگرگونی در تمام شئون جامعه می شود.²

2-7-3- انواع تغییرات اجتماعی

جامعه شناسان در بحث تغییر اجتماعی دو نوع تغییر را ذکر می کنند:

1- تغییرات جزئی: دگرگونی که در بخشی از نظام اجتماعی صورت می گیرد مثل سهم

کردن کارگران در اداره و سود کارخانه ها و یا اصلاحات اراضی.

1. امان الله قرانی مقدم، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، نشر ابجد، تهران، 1377، ص 305.

2. همان، ص 306.

2- تغییرات بنیادی: تغییراتی هستند که از اهمیت برخوردارند به گونه ای که دگرگونی و تغییر در آنها موجب دگرگونی در دیگر بخشهای جامعه می شود مثلاً چنانچه نهادهای دینی، سیاسی، اقتصادی و آموزش و پرورش تغییر یابند؛ تغییرات بنیادی حاصل خواهد آمد.¹

تغییرات بنیادی معمولاً به وسیله وقوع یک انقلاب در یک جامعه روی می دهد و اگر جهت گیری انقلاب در یک جامعه فرهنگی باشد قطعاً این انقلاب باعث تحول و دگرگونی در تمام ابعاد دیگر جامعه مثل ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. چون تمام این ساختارها به ساختار فرهنگی وابسته هستند.

3- ساختار اجتماعی

یکی از بحث هایی که جامعه شناسان مطرح می کنند پاسخ به این سؤال است که جامعه چگونه به وجود می آید؟ و به عبارتی اساس نظم اجتماعی چیست؟ آنها در پاسخ به این سؤال مواردی را مطرح می کنند که محوری ترین آنها کنش متقابل اجتماعی است یعنی هسته اولیه و اصلی سازمان اجتماعی را کنش متقابل تشکیل می دهد و کنش متقابل عبارتست از تعاملی که مردم با یکدیگر دارند مانند همکاری کردن، ارتباط برقرار کردن، سهمی شدن و... به هر حال کنش متقابل سنگ بنای جامعه است و مردم باید کنش اجتماعی داشته باشند تا جامعه پدید آید و دوام یابد بعد از کنش اجتماعی، ویژگی دیگری که جامعه را به وجود می آورد الگوهای اجتماعی است که این الگوها براساس کنش اجتماعی به وجود می آید و همچنین این الگوها بر کنش های افراد جامعه تاثیر قابل ملاحظه ای می گذارد. به این صورت که به وسیله این الگوها کنش متقابل اجتماعی منظم می شود و رابطه افراد و حدو مرز آن مشخص می شود و جامعه به ثبات می رسد.²

1. همان، ص 306.

2. جوئل شارون، ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، نشر نی، تهران، 1379، ص 85.

مهمترین الگوهای اجتماعی، فرهنگ، ساختارهای اجتماعی و نهادها می باشند به این صورت که فرهنگ مردم را به همدیگر پیوند می دهد زیرا آنها در برخی مسائل مهم مثل باورها، ارزش ها و قوانین بتوافق می رسند و ساختار اجتماعی مردم را در جامعه پخش می کند و موقعیت و نقش هر شخصی را معین می کند و به هر یک می آموزد که چگونه با یکدیگر رفتار کنند و وابستگی متقابل به وجود می آورد و همکاری را تسهیل می کند. همچنین نهادها برای حل مسائل جامعه به وجود می آید و مردم از طریق نهادها، اجتماعی می شوند، جامعه یکپارچه می شود، افراد پاداش دریافت می کنند و مجازات می شوند، هدف ها به وجود می آید و برای دستیابی به آنها کوشش می شود^۱ و ...

1-3- تعریف ساختار اجتماعی

برای روشن شدن تعریف ساختار اجتماعی ابتدا باید دو مفهوم ساخت و ساختار را تعریف کنیم:

ساخت: ساخت مجموعه ای متشکل از عناصر متعدد است به گونه ای که این عناصر دارای روابط متقابل با یکدیگر هستند و خود ساخت (مجموعه) دارای وجودی مستقل از اجزای خود است مثل جامعه.

ساختار: مجموعه ای از ارتباط های نسبتاً ثابت واحدهای اجتماعی است که این ارتباط ها کنش ها و رفتارهای خاصی را تجویز، تشویق و تقبیح می کند. به عبارتی دیگر ساختار عبارتست از ارتباطی که عناصر تشکیل دهنده یک ساخت با هم دارند.^۲

ساختار اجتماعی: مجموعه ای از موقعیت های اجتماعی است که در کنش متقابل پدید می آید و هر کدام از این موقعیت ها نقشی وابسته به خود دارد و هر فردی در کنش متقابل می آموزد که آن

1. همان، ص 97-98.

2. علی آقا بخشی، همان کتاب، ص 642.

نقش ر ابازی کند همچنین ساختار اجتماعی میان کنشگران وابستگی متقابل ایجاد می کند و از طریق این وابستگی متقابل تعهدی در خصوص همه به وجود می آید. و هر موقعیتی دیدگاه وابسته به خود را دارد و دارای میزان معینی قدرت، امتیاز و اعتبار اجتماعی است.^۱

ساختار اجتماعی افراد را دسته بندی می کند و آنها را در سراسر جامعه پخش می کند تا هر یک بر اساس موقعیتی که در آن قرار گرفته اند و نقشی که به آنها واگذار شده است مسئولیت خود را انجام دهند .

4- فرهنگ

فرهنگ هر قوم مجموعه عوامل مرتبطی است که نحوه زندگی آن قوم را تعیین می نماید این عوامل عبارتند از: زبان، رسوم، عادات، دانسته ها، عقاید، مذهب، پذیرفته های اخلاقی، محرمات، قوانین، هنر و ... و به عبارتی هر چیزی که در اعمال و افکار مردم یک قوم یا یک ملت که در اثر زندگی افراد آن هم در طول سالها به وجود آمده، شکل گرفته و از طریق آموزش و پرورش آموخته شده و از نسلی به نسلی منتقل می گردد می تواند فرهنگ یک ملت باشد و فرهنگ هر ملتی خصوصیات و رنگ ویژه ای دارد که با آن شناخته می شود بر این اساس هر جامعه ای کوشش می کند، افراد را به گونه ای خاص و متناسب با فرهنگ خود آموزش و پرورش دهد تا فرهنگ خود را حفظ و نگهداری کند.^۲

1. جوئل شارون، همان کتاب، ص 86.

2. باقر ساروخانی، دایره المعارف علوم اجتماعی، چاپ اول، موسسه کیهان، تهران، 1370، ص 165.

1-4- فرهنگ در لغت

از لحاظ لغوی فرهنگ به معنای بالا کشیدن و به بیرون کشیدن است البته در ادبیات فارسی فرهنگ به معانی دیگر مثل: ادب، تربیت؛ دانش، معرفت، حکمت، هنر، رأی، هوش، عقل و ... هم به کار رفته است.¹

2-4- فرهنگ در اصطلاح

برای فرهنگ تعریفهای مختلفی ذکر شده است که یکی از مهم ترین آنها تعریف زیر است: فرهنگ مجموعه پیچیده ای است که شامل مجموعه علوم و دانش ها، اعتقادات، هنرها افکار و عقاید، صنایع، تکنیک، اخلاق، قوانین و مقررات، سخن، عادات و رسوم و رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه فرا می گیرد و در قبال آن تعهداتی به عهده دارد.²

3-4- تقسیم فرهنگ

هر جامعه ای دارای فرهنگ معینی است که می توان آن را به دو بخش اساسی تقسیم کرد فرهنگ مادی که به مجموعه ای اطلاق می شود که قابل اندازه گیری با موازین کمی و علمی است و محسوس و ملموس می باشد. مثل ابزار کار، لباس و ... و به عبارت دیگر فرهنگ مادی در واقع مشتمل بر کلیه دست آوردهای مادی یا تکنولوژی است که در جامعه وجود دارد و فرهنگ غیرمادی یا معنوی که مشتمل بر موضوعاتی است که جنبه کیفی دارد و با موازین کمی قابل اندازه گیری نیست و به آسانی نمی توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود. مثل آداب و رسوم، معتقدات، اخلاقیات، باورها، آثار ادبی

¹. محمد دهخدا، همان کتاب، جلد دهم، ص 15110.

². باقرساروخانی، همان کتاب، ص 166.

و هنری و فکری و ... که عمدتاً به وسیله زبان و خط فراگرفته می شوند از اجزاء فرهنگ معنوی هستند^۱.

اینها در واقع هویت فرهنگی هر جامعه را تشکیل می دهند و باید بدانیم که فرهنگ مادی را می توان از جای دیگر وارد کرد در حالی که فرهنگ معنوی را نمی شود از جای دیگر وارد کنیم. همچنین بعضی از جامعه شناسان فقط فرهنگ غیر مادی را فرهنگ می دانند و فرهنگ مادی را تمدن می دانند اما فرهنگ مادی و معنوی را نمی توان به آسانی از هم جدا کرد زیرا این دو بخش به هم پیوستگی و وابستگی متقابل دارند که این پیوند و تاثیرات متقابل را با اندکی دقت می توان دریافت.

4-4- محیط فرهنگی

همه آنچه از قواعد و الگوهای رفتاری درونی و بیرونی که از نسلهای گذشته باقی مانده و رفتار انسان را در جامعه مشخص و معین می سازد، محیط فرهنگی نامیده می شود و این محیط اثر عمیق و تقریباً همیشگی بر رفتار اسخاص دارد. شخصیت فرد در محیط فرهنگی چنان شکل می گیرد و تکوین می یابد که در جدایی از جامعه خود و در تنهایی نیز با الگوهای رفتاری جامعه خود فکر می کند و رفتار می نماید به گونه ای که اگر محیط فرهنگ اولیه خود را ترک و به فرهنگی جدید و متفاوت مهاجرت کند به سختی می تواند خود را با آداب و عادات جامعه میزبان منطبق سازد.^۲

4-5- محیط جغرافیایی و فرهنگ

محیط زیست در فرایند تکامل مادی و معنوی یک جامعه اثر و اهمیت بارزی دارد و عناصر مهم محیط زیست و جغرافیایی، آب، هوا، خاک، غذا و سایر چیزهایی است که جامعه برای بقا و خودبدان نیازمند است. محیط جغرافیایی و جامعه در تغییر و دگرگونی یکدیگر تاثیر متقابل دارند و محیط جغرافیایی از

1. علی آقا بخشی، همان کتاب، ص 157.

2. احمد فرسار، جامعه شناسی، چاپ اول، نشر اوحدی، تهران، 1377، ص 129.

عواملی است که علاوه بر اثر بارز بر نیازهای روانی و اجتماعی اثر عمیقی در رفع نیازهای زیستی دارد که بر اثر آن رفتار جامعه در قالب الگوهای رفتاری خاص شکل می گیرد و این یکی از علل اختلاف فرهنگی بین جوامع مختلف می باشد.¹

6-4- استمرار و تغییر پذیری فرهنگ

باید توجه داشت که در هر فرهنگی دگرگونی ها و تغییرات بتدریج صورت می گیرد مثلا زمانی که فرهنگی نتواند نیازهای مادی و معنوی جامعه خود را بر آورد و یا زمانی که جامعه ای با مسائل خاصی مواجه می شود که مستلزم تدابیر تازه باشد، در این زمان فرهنگ با تغییرات مواجه می شود و تغییراتی در فرهنگ به وجود می آید .

عوامل دیگری هم مثل نسلهای جدید، توسعه و پیشرفت تمدن، گسترش روابط بین المللی برخورد فرهنگ ها، رشد وسایل ارتباط جمعی، توسعه وسایل حمل و نقل، تحرک و مهاجرت اشخاص، ابتکارات، قوانین جدید و ... می توانند در فرهنگ تغییراتی به وجود آورند . همچنین تمامی اجزاء یک فرهنگ دفعتا و یکجا تغییر نمی کند بلکه بعضی از عناصر آن سریعتر و برخی کندتر دگرگون می شود ولی اگر در جزیی از فرهنگ تغییری حاصل شود، بطور مستقیم در اجزاء و قسمتهای دیگر فرهنگ نیز بتدریج تغییر و تحول به وجود خواهد آمد.²

7-4- طبقه بندی فرهنگ

عوامل گوناگونی در ساخت فرهنگ موثرند مثل : اطلاعات افراد، وسایل ارتباط جمعی، مراوده ها و تحرکات اجتماعی؛ که بعضی از آنها به فرهنگ معنوی و برخی به فرهنگ مادی توجه دارند و براین اساس طبقه بندی فرهنگ کار مشکلی است اما امروزه روش طبقه بندی فرهنگ برحسب نهادهای

1. همان، ص 132 .

2. همان، ص 135 .

مسلط جامعه است مثلاً فرهنگ آمریکا با نهاد مسلط اقتصادی شناخته می شود و فرهنگ امروز ایران با نهاد مسلط دینی شناخته می شود.¹

8-4- پاره فرهنگ و فرهنگ کل

در هر کشور یا در هر جامعه ، تعدادی فرهنگهای فرعی و یا به اصطلاح پاره فرهنگ وجود دارد که مجموع آنها فرهنگ کل جامعه را تشکیل می دهند و فرهنگهای فرعی که این فرهنگ کلی را تشکیل می دهند پاره فرهنگ نامیده می شوند . مثل رسوم و عقاید خاصی که در بعضی مناطق یک کشور وجود دارد.²

9-4- فرهنگ ملی

هر کشوری با توجه به ویژگی های تاریخی ، موقعیت جغرافیایی ، باورهای مذهبی ، فرهنگ خاصی را دارا می باشد که به آن فرهنگ ملی گفته می شود . و این فرهنگ ملی با ویژگی های خود که از باورها ، تفکرات و غیره نشأت می گیرد هویتی به آن ملت می بخشد و آن ملت را از دیگر ملتها متمایز می کند و در حقیقت ملیت افراد در میان جوامع دیگر با فرهنگ ملی او مشخص می شود .

فرهنگ ملی یکی از پایه های اصلی استقلال یک کشور است و عناصر سازنده آن مثل زبان ، اعتقادات مذهبی ، سنتهای اجتماعی ، اخلاق و حقوق ، باورهای سیاسی ، اصول آموزش و پرورش ، تعلیم و تربیت و ... که در میان افراد آن کشور وجود دارد باید به مقتضای زمان متحول گشته و جوابگوی نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه باشد . حفظ فرهنگ ملی و دفاع از آن برای تمامی افراد کشور وظیفه است و نباید آن را با احساسات قوم گرایی و تقویت پاره فرهنگها تضعیف کرد زیرا

1 . همان ، ص 138 .

2 . همان ، ص 138 .

یکی از شیوه های استعمارگران تضعیف فرهنگ ملی و بی اعتنایی مردم به آن ، آنگاه تسلط یافتن است .^۱

10-4- تحولات فرهنگی

اگر فرهنگ را به مفهوم عام علوم ، معارف ، دین ، فلسفه ، هنر و نظام ارزشی حقوقی ، اخلاق، دین و عرف و آداب و رسوم بدانیم تحولات فرهنگی هم تحولاتی است که به علوم و معارف و آراء و نظریه ها ، خلق و خوی ها و گرایش های روحی و روانی مربوط می شود.^۲

بدین لحاظ باید گفت تحولات فرهنگی بیشتر به امور نفسانی و باطنی و معنوی راجع است . برخلاف تحولات سیاسی - اجتماعی که بیشتر با امور عینی و ساختاری و سازمانی سروکار دارند. و تحولات فرهنگی به مفهوم تغییر الگوهای مسلط در جامعه خواهد بود که در بطن جامعه حضور دارند و باعث می شوند ، رفتارهای اجتماعی و ارتباطات و تعاملات شکل بگیرند.

نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که تحولات فرهنگی معمولا همراه با نوعی اختیار و اراده هستند ؛ یعنی تابع و معلول جبر و تابع متغیرهای طبیعی و اجتماعی نیستند . بلکه زائیده حسن اختیار یا سوء اختیار خود انسان ها هستند زیرا تا خود انسانها نخواهند در تفکر و فرهنگ آنها تغییری دگرگونی به وجود نمی آید و اراده و خواست انسان به عنوان یک عامل خواهان تغییر، نقش اساسی را در دگرگونی های فرهنگی ایفا می کند .^۳

1. همان ، ص 139 .

2. محمد شفیع فر ، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی ، چاپ اول ، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها ، قم ، 1378 ، ص 37 .

3. همان ، ص 38 .

از سوی دیگر با توجه به اینکه تغییرات فرهنگی براساس اراده و خواست انسانها صورت می گیرد ، این تغییرات می تواند به وسیله انسان برنامه ریزی و ایجادشود و براساس یک سیر مشخص حرکت و در مسیر تحول و دگرگونی مدنظر کارگزاران تغییر قرار گیرد .

5- هویت

هویت واژه ای بحث برانگیز است که براساس چارچوب های روش شناختی متفاوت درحوزه های علوم اجتماعی و انسانی ، اندیشمندان وصاحب نظران از دیدگاههای متفاوت به آن پرداخته اند و در ابعاد مختلفی مثل هویت فردی ، اجتماعی ، گروهی ، طبقاتی ، ملی ، فراملی و ... از آن بحث کرده اند.

واژه هویت دو جنبه را مدنظر قرار می دهد. اول نقاط تشابه و دوم تمایزات و تفاوت ها در واقع هویت به طور همزمان میان افراد دو نسبت محتمل برقرار می کند از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت ، هویت به عنوان یک پدیده ی سیاسی و اجتماعی ، محصول دوران جدید است و به عنوان یک مفهوم علمی از ساخته های تازه ی علوم اجتماعی است که به جای مفهوم « خلق و خوی » فردی و جمعی به کار می رود.¹

1-5- هویت در لغت

در کتاب های لغت برای معنای هویت ، معانی مختلفی ذکر شده است مثلاً هستی ، وجود ، آنچه سبب شناسایی شخص شود². همچنین در لغت نامه دهخدا ، هویت به معنای تشخیص دانسته شده است .

1 . علی اشرف نظری وبهاره سازمند،گفتمان هویت وانقلاب اسلامی ایران ، چاپ اول ، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، تهران ، 1387 ، ص 47 .

2. محمد معین ، فرهنگ معین ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، 1376 ، ص 5228 .

2-5- هویت در اصطلاح

هویت آن بخش از عناصر اصلی شخصیت انسان است که به دنبال عینیت پیدا کردن آن، فرد قادر می شود موضع خود را در برخورد با جهان و دیگران و خویشتن به صورت شایسته مشخص نماید¹. همچنین هویت به معنای یکی بودن با ذات یا یکی بودن موصوف با صفات اصلی هم دانسته شده است مثلاً وقتی گفته می شود فلان شخص هویت انسانی دارد یعنی صفات او با آنچه از یک انسان انتظار می رود مطابقت دارد برعکس وقتی گفته شود فلان شخص هویت انسانی ندارد یعنی با وجود ظاهر انسانی از حقیقت انسانی بی بهره است.

3-5- سطوح مختلف هویت

برای انسان می توان هویت های مختلفی را تعریف کرد که هر کدام از اینها بیانگر یک سطح از هویت های انسانی می باشند مثلاً هر فرد ابتدا در ارتباط با شخص خودش دارای یک هویت فردی است و در سطح بالاتر با قرار گرفتن در میان هم نوعان خود و در ارتباط با آنها دارای یک هویت جمعی می شود و با ارتقاء این هویت جمعی و آمیختن آن با هویت های جمعی دیگر به هویت ملی می رسد. و همچنین هر کدام از سطوح هویت هم دارای عناصر سازنده ای هستند که باید آنها را شناخت و مورد توجه قرار داد تا بتوان براساس این شناخت جایگاه فرد را در انجام رفتارهای فردی و اجتماعی اش تحلیل کرد.

1. یحیی فوزی، امام خمینی (ره) و هویت ملی، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1385، ص 19.

1-3-5- هویت فردی

منظور از هویت فردی، خصیصه هایی است که به فرد تشخیص می بخشد و او را از دیگران متمایز

می نماید و هویت های فردی از تجربیات، ارزش ها، گرایش ها و احساسات فرد نشأت می گیرد.¹

شکل گیری هویت فردی از همان آغاز تولد می باشد و در طی مراحل مختلف زندگی کامل

می شود و براساس آن فرد روابط خود را در ارتباط با افراد خانواده به خصوص پدر و مادر،

همسالان، هم محلی ها، مدرسه و غیره تنظیم می کند. و اینگونه هویت فردی تکوین می یابد و بر این

اساس مهم ترین مولفه های سازنده و شکل دهنده هویت در فرد عبارتند از:

الف) خانواده: که هسته ی اولیه شکل گیری هویت فرد از همان آغاز تولد است.

ب) طبقه اجتماعی: مجموعه اشخاص یا گروههایی که به عنوان یک واحد اجتماعی در سلسله

مراتب جامعه به حساب می آیند و هر طبقه در جامعه منزلتی خاص دارد.

ج) گروه دوستان: یعنی دوستان و هم سالانی که به انواع مختلف با فرد ارتباط دارند.

د) آموزش: که مهم ترین عنصر در تکوین هویت فرد می باشد و اعم از آموزش مدرسه ای،

تبلیغ، فیلم و ... می باشد.²

2-3-5- هویت جمعی

هویت جمعی، هویتی است که فرد از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف خود را متعلق و منتسب و مدیو

ن به آن می داند و با ضمیر ما به آن اشاره می کند که می توان آن را به ترتیب در سطوح مختلفی از

1. محمدعلی اکبری، تبارشناسی هویت جدید ایرانی، عصر قاجاریه و پهلوی اول، چاپ اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،

تهران، 1384، ص 323

2. همان، ص 224

هویت های کوچک و خاص گرایانه تا هویت های بزرگ و عام گرایانه - از هم خانواده ، هم طایفه ، هم روستا ، هم شهری ، هم قوا ، هم مذهب و هم کشور گرفته تا بالاترین سطح آن یعنی هم نوع - مقوله بندی کرد. در تعریف دیگری بیان شده که هویت جمعی محصول عضویت افراد در گروههای مختلف اجتماعی است و منعکس کننده خاستگاه آن گروه اجتماعی است که فرد به آن تعلق دارد.^۲

بالاترین سطح هویت جمعی ، هویت اجتماعی است که این هویت در صورتی تحقق می یابد که افراد در وهله نخست صرف نظر از خانواده ، قوم ، مذهب و ... خود را متعلق و منتسب و مدیون به آن بدانند و در برابر آن خود را مکلف بشناسند .

هویت های جمعی در یک نظام اجتماعی در صورتی که در جهت ارزش ها و هنجارهای آن نظام عمل نمایند و با یکدیگر به تعامل پردازند ؛ در این صورت این هویت های جمعی باعث انسجام اجتماعی و تقویت آن می شوند . اما اگر هویت های جمعی تنها روابط درونی خود را تقویت کنند و در راستای نظام اجتماعی حرکت نکنند در این صورت تنها انسجام محلی تقویت می شود و انسجام اجتماعی تضعیف می شود.^۳

3-3-5- هویت ملی

گفتیم بالاترین سطح هویت جمعی ، هویت اجتماعی است که براساس هم بستگی اجتماعی بین آحاد و سازمان های جامعه و وجود یک وجدان جمعی شکل می گیرد و با وجود یک نظام اخلاقی مستحکم که بر هنجارها و قواعد اجتماعی تسلط دارد مانع از گسست نظام اجتماعی می شود . و در این صورت چنین جامعه ای براساس این هویت اجتماعی ، هویت ملی شکل می گیرد.^۴

1 . یحیی فوزی ، همان ، ص 40 .

2 . محمدعلی اکبری ، همان ، ص 325 .

3 . همان ، ص 326 .

4 . جعفر ربانی ، هویت ملی ، چاپ اول ، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ، تهران ، 1381 ، ص 72 .

هویت ملی شکل دیگری از هویت اجتماعی است و این نوع از هویت به عنوان یک پدیده سیاسی و اجتماعی نوزاد عصر جدید است که ابتدا در اروپا پیدا شد و آن گاه از اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و سرزمین های دیگر راه یافت و این هویت دارای مولفه هایی است که مهم ترین آنها عبارتند از:^۱

الف) سرزمین: به این معنا که هیچ مردمی بدون داشتن سرزمین خاص به عنوان یک ملت شناخته نمی شوند.

ب) دین: که عنصر پایدار و دائمی همه تمدن هاست و وحدت بخش بوده و باعث انسجام می شود.

ج) زبان: اشتراک زبان در میان انسان ها موجب رشد ارتباط میان آنان و تولید مفاهیم مشترک می شود و همه عناصری که در تکوین هویت ملی شرکت دارند بر محور زبان مشترک شکل می گیرند و معنا می یابند.

د) دولت: دولت نهادی سیاسی و حقوقی است که در رأس هرم قدرت در یک جامعه جای می گیرد و دارای حاکمیت یعنی قدرت قانونی است. و به عنوان روی دیگر سکه ملت نقش مهمی در تکوین هویت ملی ایفاء می کند و دولتی که مردمی باشد پاسدار و حافظ هویت ملی خواهد بود.

ه) قومیت: در کشورهایی که اقوام مختلف در کنار یکدیگر زندگی می کنند نقش قومیت ها در ساختار هویت ملی امری جدی است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

